

(۳۷) پاسخگویی

چتر شفیق سرمد
استاد دانشگاه ویرجینیای
jshafiq@vcu.ac.ir

الزام به بیان دلایل تصمیم جستجو نمود، به ویژه آن هنگام که اقدام یا تصمیم اداره یا مقام اداری به منافع یا حقوق شخص یا گروهی آسیب می‌زند. بر این اساس، امکان ارزیابی اصول توجیه‌کننده تصمیم یا اقدام فراهم می‌شود. الزام به مستدل ساختن تصمیم و نقد آن توسط ذی‌نفعان، علاوه بر ارتقای کیفی تصمیم‌گیری، فرصت مطالعه میزان درستی و عقلانیت تصمیم را به دست می‌دهد. در نتیجه، عدم بیان دلایل تصمیم، به عدم پاسخگویی به مردم یا سایر مراجع پاسخگویی می‌انجامد (زارعی، ۱۳۷۶: ۴۰-۳۶). پاسخگویی با تأمین حق مشارکت و دخالت مردم در تصمیم‌ها و برنامه‌های حکومت، ارزش‌ها و اصول دموکراسی را تضمین می‌کند. پاسخگویی سستی، تنها و تنها بخشی از شبکه پاسخگویی ارائه‌کنندگان خدمات عمومی در قبال فعالیت‌های خود را شکل می‌دهد. تمامی نهادهای عمومی یا خصوصی که قدرت عمومی را اعمال می‌کنند، باید از نظر حقوقی به دادگاه و از نظر سیاسی به وزیران یا پارلمان و در نهایت به رأی‌دهندگان پاسخگو باشند. سازوکارهای پاسخگویی سستی یعنی پاسخگویی به وزیر، پارلمان و دادگاه را می‌توان صرفاً بخشی از شبکه پیچیده پاسخگویی دانست. تغییرات بوجود آمده در ساختارهای پاسخگویی در دهه‌های اخیر به ظهور برخی اشکال گسترده پاسخگویی انجامیده است تا آنجا که نقش مراجع شبه‌قضایی و سازمان‌های اداری نظیر آلودمان در پاسخگو ساختن نهادهای عمومی بیش از پیش پررنگ شده است (Morgan and Yeung, 2007: 229). از این رو، به منظور پر کردن خلأهای سازوکارهای پاسخگویی شاهد رشد روزافزون نظام‌های نظارتی هستیم.

اهمیت پاسخگویی در اسلام

بنابر قاعده اختیار، فرع و نتیجه مسئولیت است، می‌توان بر این نظر استوار بود که اگر شناسایی اختیار برای حاکمان نتیجه مسئولیت‌ها و وظایف واگذار شده به آنها است، باید سازوکاری متناسب تدبیر شود تا از به کارگیری درست آن اختیارات و عدم انحراف مقام مسئول اطمینان حاصل شود. از این رو، ابزارهای مختلف نظارتی تعبیه شده است تا زمینه

«مداخله اداره خوب»، «از کجا آورده‌ای؟»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «حاکمیت قانون»، «حقوق شهروندی»، «صلاحیت»، «کنترل و تعادل» و «نظارت» را هم مطالعه کنید.

پاسخگویی همواره موضوعی کلیدی در حقوق اساسی و اداری بوده است. سازوکارهای پاسخگویی سستی به پارلمان و دادگاه مسئله‌ساز است، زیرا، در یک دولت اداری پیچیده که وجه ممیز آن، تفویض گسترده اختیار به بازیگرانی خارج از مرکز حکومت است، مفهوم مسئولیت متمرکز که سازوکارهای پاسخگویی سستی بر آن استوار است، غالباً تخیلی و غیرواقعی می‌نماید. معضل پاسخگویی از هنگامی بیشتر نمایان شد که انقلاب مدیریت عمومی نوین در زمینه اداره امور عمومی به پاره پاره شدن هر چه بیشتر بخش عمومی انجامید. به سخن دیگر، در دولت تنظیم‌گر به موجب قانون، قرارداد یا دیگر سازوکارها به طیف گسترده‌ای از نهادهای عمومی و برخی از سازمان‌های خصوصی تفویض اختیار صورت گرفت. در نتیجه، از یک سو باعث ناکارآمدی سازوکارهای سستی پاسخگویی نظیر دادگاه و پارلمان گردید و از سوی دیگر، ضرورت انداختن طرحی نو در این زمینه را پیش از پیش آشکار ساخت (Scott, 2000: 38-39). برای نمونه، نهاد بازرسی یا آلودمان سازوکاری است که با اعمال نظارت به منظور مورد عملکرد دستگاه‌های اداری به تقویت پاسخگویی اداره به مردم کمک می‌کند.

سازمان‌های حکومتی برای تصمیم‌گیری و اقدام نیازمند اختیار هستند. اصل تناسب مسئولیت با اختیار ایجاب می‌کند نظام‌ها و سازمان‌های حکومتی به هر اندازه که از اختیارات قانونی و سیاسی برخوردار باشند، به همان میزان نیز از نظر حقوقی و سیاسی مسئول شناخته شوند. یک حکومت واقعاً مسئول باید واکنش‌پذیر باشد، از اختیارات مبتنی بر قانون اساسی استقبال کند و تابع پاسخگویی باشد. پاسخگویی، مسئولیت یا تعهد کسانی است که به آنها اختیارات یا وظایف عمومی واگذار شده است یکی از ابزارهای پاسخگویی را می‌توان در اصل

جواب‌دهی و پاسخگویی زمامداران را مهیا سازد. امروزه وظایف و اختیارات زمامداران منتخب مردم و سازوکارهای پاسخگو ساختن عامل در برابر اصیل در قوانین مختلف به ویژه قانون اساسی مشخص می‌شود. به سخن دیگر، از دیدگاه «اصیل - عامل» (Principle-Agent) نیز می‌توان به موضوع پاسخگویی نگریست. مردم به مثابه اصیل، نمایندگان یا عاملانی را انتخاب می‌کنند تا در جهت تأمین خیر عموم همت گمارند و در اداره امور کشور مصلحت عمومی را سرلوحه خویش قرار دهند. مردم به منظور حصول اطمینان از عدم انحراف عاملان خود، سازوکارها و مراجعی را برای نظارت بر عملکرد ایشان ایجاد می‌کنند تا زمینه پاسخگو ساختن آنها در مقابل انحرافات احتمالی فراهم آید. از منظر دیگر، نیز می‌توان گفت مردم در حکومت اسلامی در بسیاری از موارد به عنوان صاحبان حق شناخته می‌شوند. حقوقی که به صراحت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر شمرده شده است. پرواضح است لازمه شناسایی این حقوق، مکلف دانستن طرف دیگر یعنی حکومت است. انجام این مهم، جز از طریق در اختیار داشتن ابزارهای پاسخگوسازی زمامداران میسر نمی‌باشد که در غیر این صورت، هوده‌ای بر شناسایی حق مترتب نخواهد بود.

بازی، مفاهیم اختیار، نظارت و پاسخگویی از جمله مفاهیم هم‌عنان هستند که هریک را متناظر با دیگری می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در نظام سیاسی اسلام مقوله حکمرانی، امانت و مسئولیتی بزرگ بر عهده زمامداران است. نه حق یا امتیازی ویژه (ورعی، ۱۳۸۳: ۶۶).

۶۶. خداوند سبحان در سوره نساء آیه ۷ چنین امر می‌کند: «إِنَّ لِلَّذِينَ هُمْ أَنْ يُؤْذُوا الْأَمَانَ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (خدا به شما فرمان می‌دهد که سیدمعا را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید). در تأیید این مدعا مولای متقیان حضرت علی (ع) در نامه پنجم نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس عامل آن زمان چنین می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا لَكُمُ الْبَيْتُ لَكُمُ الْبَيْتُ» (این خانه برای شماست و این خانه برای شماست). در این آیه، خداوند تعالی به شما می‌فرماید که این خانه را به شما می‌بخشد و این خانه را به شما می‌بخشد. این آیه، حاکم اسلامی که قدرت در دست او است به امانت سپرده شده است. باید همچون امین رفتار در حفظ امانت گرفتار باشد و به هیچ وجه دست تعالی را تجاوز قرار نگیرد. تقسیم وفاداری حاکمان نیز مستلزم پاسخگو بودن آنها به خداوند و مردم است. از طرفی، با عاقبت به اینکه هوی و هوس‌های نفسانی مسئولان انسان را در مصرفی و سوءاستفاده‌ای قرار می‌دهد و بر طبل طغیان‌گری صاحبان قدرت می‌کوبد. خداوند کریم در آیات شریفه ۶

و ۷ سوره علق راجع به این ویژگی‌های انسانی می‌فرماید: «كَذَلِكَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ خَاسِرٌ» (حقایق انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بر نیل بندهد). امام علی (ع) نیز، در حکمت ۱۶۰ نهج البلاغه بر ذات فسادآور قدرت چنین تأکید می‌کند که «مَنْ مَلَكَ الشَّيْءَ» (هر که بر ملک دست یافت تنها خود را دید و از دیگران رو بتافت)؛ و در حکمت ۱۶۱ بر ناپایداری ظلم و خودکامگی پای می‌نهد که «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» (هر که خود را رأی گردید به هلاکت رسید). هر چند پیش از تأکید حضرت در حکمت اخیر بر لزوم مشورت است، اما، از جمله ابعاد آن می‌تواند این نکته باشد که خودسری را به هیچ عنوان سر هم‌نشینی با پاسخگویی نیست. بازی آنچه تاکنون گفته آمد به طور ضمنی به این موضوع دلالت می‌کند که در دین مبین اسلام از یک سو، بر مهارهای درونی زمامداران یعنی صفات و خصوصیات عالی فردی تأکید ویژه‌ای شده است و از سوی دیگر، به عقوبت‌های دنیوی و اخروی نیز هشدار داده شده تا بدان‌ها گوشزد شود که در هر حال باید در برابر خداوند قادر متعال پاسخگو باشند. با این همه، لازم است سازوکارهای بیرونی مهار قدرت در حکومت اسلامی پیش‌بینی گردد. زان سبب که قدرت بدون نظارت و پاسخگویی، از یک سو، به طغیان و معصیت در مقابل خداوند متعال می‌انجامد و از سوی دیگر، ظلم و بیداد در حق بندگان را در پی خواهد داشت.

تعریف و مفهوم پاسخگویی

پاسخگویی به معنای دقیق کلمه یعنی (الف) که در رابطه با منافع یک شخص دیگر (ب) مسئولیت دارد (ج)، باید به (ب) درباره چگونگی انجام تکالیف خود توضیح و گزارش دهد و هم‌زمان (ب) نیز در موضعی قرار دارد که می‌تواند (الف) را در رابطه با مسئولیت‌های واگذار شده (ج) مورد تقدیر یا تنبیه قرار دهد (Bevir, 2007: 1). این تعریف متضمن عناصر پاسخگویی یعنی «جواب‌دهی» و «اجرا» است و نیز به انواع پاسخگویی یعنی «توضیحی» و «اصلاحی یا جبرانی» اشاره دارد که متعاقباً به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ارتباط نظارت و پاسخگویی در این نکته نهفته است که هر جا سخن از نظارت ناظری به میان آید، لاجرم پاسخگو بودن مقام یا نهاد مشمول نظارت نیز مطرح می‌شود. به سخن دیگر، پاسخگویی دوی دیگر سکه نظارت است (راسخ، ۱۳۸۸: ۲۰). البته، این گونه نیست که در مقابل کنترل و سازوکار مهار و تعادل پاسخگویی وجود نداشته باشد، اما، نوع پاسخگویی مقابل این مفاهیم از پاسخگویی متناظر با مفهوم نظارت

صرفاً پاسخگویی توضیحی قرار دارد. بر این اساس، نهاد بازرسی (آمبودزمان) به عنوان سازوکار پاسخگویی قضایی طبقه‌بندی می‌شود که تنها عنصر قابلیت جواب‌دهی پاسخگویی را به همراه دارد. عنصر پیش‌گفته صرفاً می‌تواند برخی از سطوح پاسخگو ساختن نهادهای حکومتی را برآورده سازد.

جنبه اجرایی پاسخگویی تنها زمانی وجود دارد که نهاد کنترل‌کننده از اختیار صدور دستور، ابطال تصمیم یا وضع مجازات برخوردار باشد. حال آن که اکثریت قریب به اتفاق نهادهای بازرسی فاقد این عنصر هستند و تنها از ضمانت‌های اجرایی نرم مانند پیشنهاد اصلاح اداره، بد، گزارش‌دهی و یا ارجاع پرونده به دادگاه یا دیوان‌های اداری برخوردارند. با وجود این، به نظر می‌رسد دست کم گرفتن اختیار تحقیق، گزارش‌دهی و اقتناع‌سازی نهاد بازرسی از جمله نقاط ضعف این تقسیم‌بندی دوگانه باشد. تحقیق دقیق و بی‌طرفانه درباره یک شکایت، بررسی پرونده بر طبق قانون و انصاف، پیشنهاد تغییر و اصلاح قانون یا خط‌مشی به حکومت و گزارش‌دهی به مردم، فراسوی جنبه قابلیت جواب‌دهی پاسخگویی قرار می‌گیرد. به علاوه، نهاد بازرسی پس از انتشار گزارش یک تحقیق می‌تواند به منظور مجاب ساختن حکومت برای انجام اصلاحات پیشنهادی مذاکرات غیررسمی را شروع کند. به بیان دقیق‌تر، اگرچه نهاد بازرسی به مثابه یک نهاد نظارتی نمی‌تواند از مقامات و سازمان‌های مشمول نظارت خود انتظار پاسخگویی اصلاحی یا جبرانی داشته باشد، اما، شکلی میانه و سوم از پاسخگویی را نمایندگی می‌کند که بین قابلیت جواب‌دهی و اجرا قرار دارد (Reif, 2000: 28-29). بنابراین، می‌توان چنین استدلال نمود که آمبودزمان تنها تأسیسی است که به معنای واقعی یک ناظر محسوب می‌شود و صرفاً عنصر جواب‌دهی پاسخگویی را دربردارد و مقامات و نهادهای مشمول نظارت تنها موظف به پاسخگویی توضیحی در مقابل آن هستند. در مقایسه، دادگاه و پارلمان که از ابزارهای کنترلی و سازوکار مهار و تعادل بهره می‌گیرند، هر دو عنصر پاسخگویی یعنی جواب‌دهی و اجرا را دربرمی‌گیرند و مقامات و مراجع مشمول کنترل موظف به پاسخگویی توضیحی و اصلاحی یا جبرانی در مقابل آنها هستند.

عنصر اجرایی پاسخگویی از مجازات یا سایر ضمانت‌های سلبی در مقابله با یک رفتار نامناسب تشکیل می‌شود که می‌تواند «پاسخگویی اصلاحی یا جبرانی» (Amendatory or Remedial Accountability) نهاد پاسخگو/مشمول کنترل را در پی داشته باشد. این پاسخگویی به معنای تعهد به توجیه فعل یا ترک فعل

فراتر خواهد رفت. توضیح اینکه علی‌رغم هم‌پوشانی میان مفاهیم کنترل و مهار با مفهوم نظارت، اما، آثار هر یک می‌تواند آن‌سوتر از آثار مفهوم نظارت قرار گیرد و بالطبع پاسخگویی متناسب با خود را به دنبال خواهد داشت که در بخش بعدی تشریح خواهد شد. باری، کنترل توسط مقام یا مرجع کنترل‌کننده اعمال می‌شود، پاسخگویی متوجه مقام یا مرجع تحت کنترل است و بالاخره موضوع کنترل و پاسخگویی، همان اختیارات نهاد مشمول کنترل است.

عناصر و سطوح پاسخگویی

مفهوم پاسخگویی از دو عنصر «قابلیت جواب‌دهی» (Answerability) و «اجرا» (Enforcement) تشکیل می‌شود. عنصر قابلیت جواب‌دهی یعنی اختیاری که به یک نهاد داده می‌شود تا از بازیگران پاسخگو بخواهد درباره اعمال و تصمیمات خود اطلاعات لازم را ارائه کنند و عوامل توجیه‌کننده آنها را توضیح دهند. علی‌الاصول، تعهد به توضیح یا موجه ساختن تصمیمات اتخاذی یا اقدامات انجام شده معطوف به گذشته است. به سخن دیگر، الزام به جوابگویی در قبال اعمال و تصمیم‌ها، پس از وقوع آنها ایجاد می‌شود. با این حال، به زعم برخی، آگاهی قبلی از این که باید درباره اعمال و تصمیمات توضیح داده شود، می‌تواند تأثیری شگرف بر کیفیت تصمیم‌گیری داشته باشد. البته، نگارنده با استدلال اخیر موافق نیست. زیرا، الزام مجری به توضیح پیشینی اقدامات و تصمیماتی که در آینده می‌خواهد انجام دهد یا اتخاذ کند، برخلاف منطق حاکم بر توزیع صلاحیت‌ها و مداخله ناصواب است.

عنصر توجیه پاسخگویی در وهله نخست، متضمن تعهد به توضیح دادن و دلیل آوردن (یعنی جواب دادن، افشا کردن، توضیح دادن یا موجه ساختن) است که می‌توان آن را «پاسخگویی توضیحی» (Explanatory Accountability) نامید (Turpin and Tomkins, 2007: 132 and 565-566). در راستای تحلیل پاسخگویی توضیحی، باید گفت این نوع پاسخگویی متناظر با سازوکار «کنترل همکارانه» (Cooperative Control) یا کنترل نرم است. کنترل همکارانه، تسهیل‌کننده و فعال است. مستلزم پاسخگویی ترجیح یا مقام مشمول کنترل بوده و از توجیه و اقتناع بهره می‌گیرد. در این کنترل، بازیگران به منظور نیل به نتایج مطلوب و اصلاح رفتار به گفتگو و تبادل نظر می‌پردازند که برای جبران خسارت متناسب با اوضاع و احوال شکایت از اصطلاحات حقوقی بیشتری برخوردار است. در نتیجه، کنترل همکارانه همان کنترل به معنای نظارت است که معمولاً توسط نهاد بازرسی یا آمبودزمان اعمال می‌شود و لذا گفت آن روی سکه کنترل همکارانه/نرم یا نظارت.

تصمیم اعمال کرد نه صرفاً معطوف به گذشته (Bevir, 2007: 4). چنین استدلالی محل مناقشه است. زیرا، پاسخگویی توضیحی پیشین خلاف منطقی نظارت و حتی کنترل یا سازوکار مهار و تعادل است. زیرا، مقام اجرایی در مرحله تصمیم‌سازی است و هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است تا نظارتی صورت پذیرد. دخالت در این مرحله بر خلاف اصل تفکیک قوا است و منطقی توزیع تخصصی صلاحیت‌ها میان قوای سه‌گانه و نهادهای وابسته را برهم می‌زند و راه را برای دخالت مقام یا مرجع کنترل‌کننده در اختیارات اختصاصی مجری هموار می‌کند. با این حال، اگر بتوان میان مراحل مختلف یک فرآیند قائل به تفکیک شد، اعمال نظارت و یا کنترل پس از تکمیل یک جزء کامل از فرآیند مورد نظر ممکن به نظر می‌رسد.

منابع و کتابشناسی

- راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظارت و تعادل در حقوق اساسی، تهران: انتشارات دراک.
- زارعی، محمد حسین (۱۳۷۶)، «تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون»، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۳۸.
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۳)، دولتمردان پاسخگوی خدا و مردم، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۴.
- Bevir, Mark (ed) (2007), *Encyclopedia of Governance*, California: SAGE Publications
- Morgan, Bronwen and Yeung, Karen (2007), *An Introduction to Law and Regulation: Text and Materials*, Cambridge: Cambridge University Press, First published.
- Reif, Linda C (2000), «Building Democratic Institutions: The Role of National Human Rights Institutions in Good Governance and Human Rights Protection», *Harvard Human Rights Journal*, Vol. 13.
- Scott, Colin (2000), «Accountability in the Regulatory State», *Journal of Law and Society*, Vol. 27, No. 1.
- Turpin, Colin and Tomkins, Adam (2007), *British Government and the Constitution*, Cambridge: Cambridge University Press, Sixth Edition.

است. به سخن بهتر، جوابگو بودن نسبت به همه اشتباهات یا سوءمدیریت‌ها و بی‌کفایتی‌های کشف شده و پیش‌بینی راهکارهای اصلاحی یا جبرانی برای آنها. در این معنا، پاسخگویی در معنای «مسئول به شمار آمدن» است که با خود معنای ضمنی سرزنش و مجازات را به همراه دارد. این نوع پاسخگویی به وضوح «معطوف به گذشته» (Retrospective) یا «پسینی» (A Posteriori) است و زمینه سرزنش حکومت را به خاطر شکست خط‌مشی‌ها یا سوءاستفاده از قدرت فراهم می‌سازد و مستلزم جبران خسارت یا اصلاح است (Turpin and Tomkins, 2007; 132). پاسخگویی اصلاحی یا جبرانی که عنصر اجرائی پاسخگویی را دربردارد، لازمه «کنترل اجباری» (Coercive Control) یا کنترل سخت است. به سخن بهتر، کنترل اجباری که مستلزم تحمیل تصمیم، دستوردهی، ابطال یا وضع مجازات است، متناسب با جنبه اجرائی پاسخگویی یعنی پاسخگویی اصلاحی یا جبرانی است. چنین کنترلی به صورت موردی و واکنشی اعمال می‌شود و با تصمیم یک‌جانبه تحمیل می‌گردد و مبتنی بر قوه قاهره همراه با مجازات و ضمانت اجرا است که معمولاً توسط دادگاه، مراجع شبه‌قضایی و پارلمان به‌کار گرفته می‌شود (Reif, 2000: 28-30). با توجه به آنچه گفته آمد، پاسخگویی اصلاحی یا جبرانی را نمی‌توان در قلمرو مفهوم نظارت دانست. چنین پاسخگویی را می‌توان آن روی سکه کنترل اجباری (فرا تر از نظارت) تلقی نمود که توسط دادگاه یا پارلمان در راستای اعمال سازوکار مهار و تعادل اعمال می‌شود، نه در جهت مفهوم نظارت! از طرفی، اگرچه پاسخگویی اصلاحی به معنای دقیق کلمه، پسینی است، اما از آنجا که متضمن دستوردهی، ابطال یا اصلاح مجازات و برخورداری از ابزارهای کنترلی سخت است، نمی‌تواند در قلمرو پاسخگویی متناظر با نظارتی قرار گیرد که مدیران و مسئولان اجرایی در مقابل نهادهای ناظری مانند سازمان بازرسی دارند.

بازی، اگرچه پاسخگویی مکمل نظارت است، اما، همه انواع پاسخگویی در مقابل مفهوم نظارت قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، درباره مراجع نظارتی به ویژه آموذمان یا سازوکار بازرسی تنها باید به پاسخگویی توضیحی پسینی معطوف بود. البته، به رغم برخی، اشکال سنتی پاسخگویی انتقاداتی در زمینه‌های کنترل قدرت سیاسی و پاسخگویی حکمرانان به انتصاب‌کنندگان ابزارهایی ناآرام‌اند تلقی می‌شوند. از این‌رو، تقاضای برای ترمیم‌شدن ساختار پاسخگویی بیشتر به سمت کنترلی ابزارهای پاسخگویی سیاسی معطوف است و به دنبال روی‌هایی است که کنترل سیاسی را عموماً به طور فرآیندی و در جریان انتصاب



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: دایرةالمعارف حقوق عمومی

تألیف: جمعی از نویسندگان

به اهتمام: دکتر سید محمد مهدی غمامی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۷۵۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۳۲۹-۷

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: press@isu.ac.ir

عنوان و نام پدیدآور: دایرةالمعارف حقوق عمومی / تألیف جمعی از نویسندگان؛ به اهتمام سید محمد مهدی غمامی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۷۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۳۲۹-۷

موضوع: حقوق عمومی - دایرةالمعارفها

موضوع: حقوق - دایرةالمعارفها

شناسه افزوده: غمامی، سید محمد مهدی، ۱۳۶۲-

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۲۶۳۳۶

م حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.